

## رشد و پایداری فرهنگ و معنویت ایرانی و گسترش آن در جهان

رضا مصطفوی سبزواری\*

ارزنده دانشمندان و فرهنگ‌مداران این دیار بهره‌ها برگیرند و آنها را همچون مشعلی فروزان و فراگیر فراراه آینده خود بدانند.

اگر بخواهیم ارزشهای علمی و فرهنگی ایران را در ازای تاریخ کهنسال آن در یک مقاله بگنجانیم، بی‌شک چنان باشد که بحر را در کوزه‌ای بریزیم. بنابراین، در این مقاله تنها به قدر تشنگی و در حد مجال این گفتار به اشارتی گذرا به فرهنگ و ادب و معنویت عالی ایران زمین و ارزشهای والای آن در روزگاران پیش از اسلام بسنده می‌کنیم و سپس به ارزشهای فراگیر آن در دوره درخشان اسلامی خواهیم پرداخت.

نخستین رمز پایداری فرهنگ و تمدن ایران، عامل جغرافیایی و وضعیت طبیعی این کشور کهن بوم و بر بوده است که با وجود تهاجمها و حمله‌های اقوام گوناگونی که هر یک از آنها می‌توانست تمدن و فرهنگ دیرینه را محو کند، همچنان ماندگار و جاوید ماند و محو نشد.

چکیده: تمدن و فرهنگ و ادب ایران زمین پدیده‌ای است که معرفی و بررسی ابعاد مختلف آن نیاز به تحقیق و تفحصی پر دامنه دارد. چنانچه سالیان درازی، از روزگاران کهن، اهل تبع در ایران و خارج از ایران به این موضوع پرداخته و آثار بسیاری خلق کرده‌اند.

موضوع این مقاله معرفی قدمت فرهنگ و ادب ایران زمین در جنبه‌های مختلف تاریخ، هنر و معماری، دانشگاهها و مراکز علمی، زبانها و گویشها و تأثیر در فرهنگ ملل دیگر است. به لحاظ تاریخی ابتدا تمدن و فرهنگ و ادب ایران پیش از اسلام بررسی می‌شود و سپس به فرهنگ و ادب دوره اسلامی اشارت می‌رود.

کلیدواژه: تاریخ ایران، فرهنگ ایرانی، ایران پیش از اسلام، دوره اسلامی، جندی شاپور، نگارگری ایرانی، هنر و معماری ایرانی.

فرهنگ و تمدن و ادبیات دیرپای ایران زمین تأثیری چندان ژرف در بنیادهای فرهنگی و مدنیت جهان داشته که بررسی گوشه گوشه آن پژوهشهای همه‌جانبه‌ای را می‌طلبد و همین امر سبب گردیده تا مستشرقان و پژوهندگان جهان همواره آن را بکاوند و از تجربیات

\*استاد دانشگاه علامه طباطبائی.

باستان رواج داشت و در روزگار هخامنشی‌ها زبان اداری و رسمی بوده است (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۸۳).

مادها بر اثر روابطی که با اقوام آشور و آسیای صغیر داشتند، در زندگی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی آنان تحولی به وجود آوردند و همچنین در میان هندیها نفوذ مذهبی و نیز بازرگانی داشتند و زردشت پرستنده اهورامزدا برای نخستین بار از روز قیامت و جاودانگی روح و موضوع جبر و اختیار سخن گفته که این موضوعها در مذبهای شرق و غرب جهان تأثیر گذاشته است (بیانی، ۱۳۵۰: ۱۲۰).

اختراع پست و چاپار برای سهولت رابطه و کسب اطلاعات مورد نیاز در روزگار هخامنشی‌ها انجام گرفت و دیگر ملتهای جهان و از جمله مصریها و پس از آن رومیها از این اختراع استفاده کردند و سپس در غرب رواج یافت (آندره گدار، همان، ۶۴ به بعد).

هانری شارل پوش، دانشمند فرانسوی می‌گوید: نمی‌توان منکر شد که مذهب و دانش و ستهای ایرانی در طرز تفکر یونانیها مقام و منزلت مهمی داشته است (همان‌جا، ۱۲۷).

نفوذ هنر و معماری ایران در هند در زمان آشوکا، از امپراتوران معروف سلسله موریان، کاملاً روشن است و کاخ آشوکا در طرح اصلی و نیز تزیین نقش تالار صد ستون تخت جمشید شیراز متأثر است (ویل دورانت، ۱۳۴۳: ۸۳۶).

فرهنگ و تمدن و هنرهای ایرانی تا اقصی نقاط جهان آن روز گسترش داشته است. به نقل کتاب سی چی

وسعت و پهناوری ایران زمین، از یک سو، و وجود کوههای سر به فلک کشیده آن از سوی دیگر، سبب گردیده تا یورش آوردگان نتوانند بر تمام این کشور که تسلط یابند و اگر گوشه‌ای را تسخیر کردند، تمدن و فرهنگ ایرانی در گوشه‌ای دیگر به پیشروی خود ادامه داد و طعمه مهاجمان نگردد. از جهتی دیگر فلات ایران یگانه منطقه و پل ارتباطی بین شرق و غرب دنیای قدیم محسوب می‌گردید و بر سر راه همه هجومها یا مهاجرتها قرار داشت که از دو سوی جهان آن روزگار به سوی یکدیگر انجام می‌گرفت و این موقعیت جغرافیایی سبب می‌گردید تا ساکنان آن از نفوذ اقوام مختلف جهان که از آن گذرگاه آمدوشد داشتند، بی‌بهره نمانند و همواره ارتباطی مستمر با آنان داشته باشند و از رهگذر این ارتباطهای دائمی با آیندگان و روندگان قبایل گوناگون، بسیاری نوآوریها و صنایع جدید را از آنان بیاموزند و بسیاری از دانشها و هنرهای ارزنده و نوساخته خود را نیز به آنها بدهند تا با خود به سایر نقاط جهان ببرند و در آنجا انتشار یابد.

در میان اقوام ایرانی زیادی که در فرهنگ و تمدن ایران زمین سهم بیشتری داشته‌اند می‌توان به کادوسیانها<sup>۱</sup> در سرزمین گیلان، تپورها<sup>۲</sup> در مازندران، لولوییها<sup>۳</sup> و گوتیها<sup>۴</sup> و کاسیها<sup>۵</sup> در هزاره دوم پیش از میلاد در دره زاگرس و عیلامیها در چهار هزار سال پیش از میلاد در شوش و جنوب غربی ایران اشاره کرد که بعضی از آنها مانند همین عیلامیها و کاسیها سهم بیشتری در فرهنگ و تمدن ایران زمین داشته‌اند؛ مثلاً در هزاره سوم پیش از میلاد عیلامیها خط مخصوصی به نام عیلامی مقدم (proto elamite) اختراع کردند. (آندره گدار، ۱۳۴۶: ۵۵).

تمدن عیلامیها ظاهراً بسیار فراگیر بوده و نوشته‌ای که در بوشهر به زبان عیلامی به دست آمده و تاریخ آن مربوط به حدود سه هزار سال پیش از میلاد است، نشان می‌دهد که تمدن عیلامیها تا کرانه‌های غربی خلیج فارس نیز پیشرفت داشته است. زبان عیلامی پیش از زبان پارسی

۱. جمع کادوسی و آن نامی است که یونانیان به مردم سرزمین گیلان یعنی گیلها می‌دادند. کادوس مصحف یا یونانی‌شده تالوس است که در قرنهای بعد تالش یا تالش شده است. (ایران باستان، صفحه ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۳۸۹ به نقل از لغتنامه دهخدا).

۲. تپورها: یا تپوریا ساکنان تپورستان یا طبرستان، تیرستان (ایران باستان، ج ۲، ص ۱۳۸۶، ۱۶۴۴، ۱۵۰۸، ۱۶۴۶ و ج ۳، ص ۱۹۲۵ و ۲۰۹۵).

۳. لولویی: نام قدیم بلوکی در زاگرس میان بغداد و کرمانشاهان (رک ترجمه تاریخ ایران به سرپرستی سایکس ص ۸۸ و نیز ایران باستان، ج ۱، ص ۱۱۶ به نقل از لغتنامه دهخدا).

۴. گوتی: طایفه‌ای از ساکنان قدیم زاگرس که محلشان شمال و مشرق شهر زور بوده است. (لغتنامه دهخدا).

۵. کاسیایان: کاسیها از اقوام قدیم زاگرس که حکومت آنان در شمال و مشرق قسمت مرکزی رشته جبال لرستان جدید و به گفته بعضی محققان اطراف همدان هم بوده است.

می‌گشت (آندره گدار، همان: ۲۰۴). نقشهای روی پارچه‌های بافت ایران بر سردر و پیشانی و ستونهای کلیساهای فرانسه نقاشی شده و از معمولترین آنها می‌توان نقش دو شیر مقابل هم و عقابهای دو سر را یاد کرد.

نقاشیهای طراحی شده به وسیله ایرانیها به دیگر نقاط جهان آن روز نیز انتقال یافت که نقش شکار شیر به سبک ایرانی بر روی پارچه‌های موزه توکیو را به عنوان نمونه می‌توان یاد کرد (همان‌جا: ۲۰۵). و اینجاست که به قول عرفی به حق باید گفت:

از نقش و نگار در و دیوار شکسته

آثار پدیدست صنایع عجم را

طرحهای روی پارچه‌های ایرانی از طریق پارچه‌های ابریشمی و غیر ابریشمی به امپراتوری بیزانس<sup>۶</sup> راه یافت و مثلاً طرح پر طاووس مربوط به قرن ششم میلادی که در پانایا، واقع در جزیره قبرس، و دیگر نقاط جهان وجود دارد یکی از طرحهای مرسوم ایرانی است (تالیوت رایس، ۱۳۴۶: ۷۴).

سبک معماری کلیسای ایاصوفی که به سبک بیزانس معروف گردیده، برگرفته از طرحهای ایرانی است (همان‌جا، ۷۸). طرحهای حجاری ایرانیان نیز در میان مردم مغرب زمین نفوذ کرد تا آنجا که طرح کاخهای اولیه بلغارستان در ابوباپلیسکا (ABOBAPLISKA) و نیز مادابا (MADABA) مانند طرح کاخهای ساسانی در منطقه فیروزآباد و سروستان است و شگفتا که چکمه‌های بلندی که در کلیسای سن‌ویتال شهر راوانای ایتالیا بر پای ژوستینیان پوشانیده شده و نیز تاج همسر او طرح ایرانی دارد (همان‌جا، ۷۹).

در مورد تأثیر مسائل درمانی و بهداشتی ایرانیان در جهان نیز به گفته احمد عیسی بک استناد می‌کنیم که می‌نویسد: بیمارستان جندی شاپور، بزرگترین بیمارستان

(shi-chi)، در روزگار اشکانیان، وقتی سفیر ایران به چین اعزام گردید، تخم شترمرغ که در چین وجود نداشت و همچنین گروهی از هنرمندان شعبده‌باز و جادوگر را به همراه خود برد (بیانی، ۱۳۵۰: ۱۳۵). نیز در همین کتاب آمده است که این کشور (ایران) صدها شهر قلعه‌دار بزرگ و کوچک دارد و از همه کشورهای بزرگتر است. سوداگران از اربابه و کشتی استفاده می‌کنند و به کشورهای مجاور تا چندین هزار فرسنگ می‌روند و در کار بازرگانی مهارت فراوان دارند. از نقره سکه می‌زنند و از چینی‌ها طرز قالب‌گیری سلاح را آموخته‌اند (همان‌جا، ۱۳۶).

در روزگار پارتها هنر معماری ایرانیها در چین نفوذ زیادی کرد و بناهای سلسله هان در چین این واقعیت را ثابت می‌کند (گیرشمن، ۱۳۳۶: ۲۸۱).

در دوره ساسانیان در جندی شاپور دانشکده پزشکی تأسیس شد و شهرت جهانی یافت و دانشمندان سریانی زبان ایرانی و هندی و زردشتی در آنجا به تدریس پرداختند و برزویه طبیب با همکاری پزشکان هندی چند کتاب طبی هندی را به زبان پهلوی برگردانید (ابن‌ندیم، ۱۳۴۸: ۴۲۱). علاوه بر دانشکده طب یاد شده در همان جندی شاپور دانشکده دیگری تأسیس شد که فلسفه و حکمت و نجوم و ریاضیات تدریس می‌گردید و شهرت و اعتبار علمی آن در حد مدرسه اسکندریه مصر بود. نویسنده کتاب عصر المأمون می‌نویسد: انوشروان قد آسس مدرسه للطب و الفلسفه فی جندی شاپور کانت لها شهره مدرسه الاسکندریه (احمدفریدرفاعی، ۱۳۴۶: ۴۷). در روزگار ساسانیان مقدار زیادی ظرفهای طلا و نقره به خارج از ایران صادر می‌شد که هنوز زینت‌بخش موزه‌های کشورهای جهان است و به عنوان مثال تعدادی از آنها در موزه آرمتاژ لنینگراد نگهداری می‌گردد. از نقش‌ونگارهای ظرفهای یادشده که بیشتر شامل منظره‌های شکار و جنگ و تصویر حیوانات بود برای نقش و نگار پارچه‌های عهد ساسانی نیز استفاده می‌شد که تا چند قرن شهرت فراوان داشت و ایران تنها کشور بافنده پارچه‌های نفیس جهان محسوب

۶. نام قدیم قسطنطنیه است. شهر بیزانس پایتخت امپراتوری روم شرقی بوده که این امپراتوری روم شرقی از سال ۳۳۰ تا ۳۹۵ میلادی در قسمت شرقی امپراتوری روم به وجود آمد و تا سال ۱۴۶۱ م باقی بود.

لوتوس همراه با تزیینات هندسی از ابتکارهای دیگر ایرانیان و نتیجه ذوق سرشار آنان در دو هزار و پانصد سال پیش حکایت دارد که نمونه آنها در موزه ایران باستان و هم موزه لوور پاریس وجود دارد.

جای بسیار شگفتی و نیز تحسین دانشمندان ایرانی در روزگاران گذشته است که حتی در دوره‌های پیش از اسلام همانند کنگره‌هایی که امروز در جهان برگزار می‌گردد، کنگره علمی برگزار می‌کردند تا پزشکان معروف زمان بتوانند به گفتگو و مباحثه علمی بپردازند. یکی از این انجمنها کنگره پزشکی سال ۵۵۰ میلادی بود با همت جبرائیل ذرستبد و همکاری دیگر پزشکان مشهور آن زمان مانند السوفسطایی و یوحنا و دیگران که به گفته احمد امین مؤلف ضحی‌الاسلام اگر خواننده در آن بحثها و مذاکرات دقت کند به میزان فضل و غزارت علم آنان پی خواهد برد (احمد امین، ۱۹۵۶: ۲۳۸).

در خور توجه اینکه فرهنگ و تمدن دیرینه و پربار و فراگیر ایران زمین سبب گردیده بود تا چنین مجامع علمی و گردهماییهای مشورتی همواره برگزار گردد؛ شاهد زیر از شاهنامه فردوسی موضوع برگزاری گردهمایی پزشکان فرزانه را برای درمان کاووس، که چشمایش در ستیزی تار شده بود، تأیید می‌کند.

پزشکان فرزانه گرد آمدند

همه یک به یک داستانها زدند

زهرگونه نیرنگها ساختند

مر آن درد را چاره شناختند.<sup>۷</sup>

از آنچه ویل دورانت درباره فرهنگ و تمدن ایرانیها می‌نویسد چنین برمی‌آید که پارسیان زیباترین ملت‌های خاور نزدیک در روزگار باستانی بوده‌اند، میانه بالا و نیرومند و لطیف طبع و با صلابت بوده‌اند. در اندام و ریخت آنان اثر نجات مشهود بوده است. خود

پیش از اسلام، مدت سیصد سال باقی بود و بهترین الگو برای اعراب به شمار می‌رفت تا بتوانند به تأسیس بیمارستانهایی در نقاط مختلف اسلامی بپردازند (احمد عیسی بک، ۱۳۷۱: ۶۱-۶۳).

گنج‌بریهایی بسیار زیبا بر روی قصرهای ساسانیان و نقشه‌های برجسته روی عمارتها و ساختمانهای باقیمانده از آن روزگار و تصویرهای کنده‌شده بر روی دیوارها و صخره و کوهها همه و همه دلایلی بر وجود فرهنگ و تمدنی بسیار کهن در ایران باستان دارد که تقلید و انتقال آنها به دیگر نقاط جهان بی‌شک بهترین نشانه نفوذ فرهنگ ایرانی در فرهنگ و تمدن دیگر ملل جهان محسوب می‌گردد و رواج این هنرها در آسیای صغیر و در قصرها و معبد‌های بیزانس نمونه‌ای از این انتقال فرهنگ است (مصطفوی سبزواری، ۱۳۸۲: ۴۵۳).

ابتکار ایرانیها در ایجاد کاریز و روش آبیاری در جلگه‌های خشک از مواردی بوده که در زندگی مردم کشورهای خاورمیانه نقش بسیار مهمی داشته است و این ابتکار آنان یکی از بهترین راههای نفوذ تمدن ایرانی در میان ملل دیگر جهان محسوب می‌گردد که سبب تأمین مهمترین نیازمندیهای مردم مانند آب آشامیدنی و تغذیه مردم و آبادی مزارع آنان گردیدند. نیز نوشته‌اند نوع لباس و تزیینات جواهر نشان پوششهای دیوکاسین، امپراتور بیزانس، از لباسها و پوششهای زمامداران و سلاطین ایران تقلید شده است و حتی آراستن داخل ساختمانها و قصرهای مقامات دولتی با نقاشیهای دیواری و رنگهایی که در ایران متداول بوده تزیین می‌شده است. شایسته یادآوری می‌داند که نقشها و نگارگریها و تصویرهای داخل قصرهای ایرانیان تشخیص خاصی داشته و بیشتر شامل تصویرهایی از مجالس شکار یا جنگ یا آوردن تحفه و هدیه در جشنهای نوروز و مهرگان و دیگر جشنها بوده که در دوره‌های بعد به صورت سنگ‌تراشیهای برجسته انجام می‌گرفت و نمونه‌های آن در تخت جمشید دیده می‌شود.

نگارگری بر روی کاشی با تصویرهایی از گل‌های

۷. شاهنامه، ج ۱، ص ۳۰، بیت ۱۹۰.

ارزشترین کار انسانها دانسته بود تا بدانجا که اهورامزدا را بیشتر از سایر کارها خوشنود می‌سازد. به همین دلیل حتی خرده مالکان شرکت تعاونی کشاورزی تشکیل می‌دادند و به صورت دسته‌جمعی و خانواری به کاشتن زمینهای وسیع می‌پرداختند. برای شخم گاوآهن چوبی با نوک آهنی ساخته بودند و برای تهیه آب، قنات کنده بودند. مهندسان پارسی شاهراههایی برای پیوند پایتختها به یکدیگر ایجاد کرده بودند که درازای یکی از آنها که از شوش تا ساردیس<sup>۸</sup> ادامه داشت، دو هزار و چهارصد کیلومتر بود. واحد اندازه‌گیری فرسخ<sup>۹</sup> بود که به گفته هروdot در هر چهار فرسخ منزلگاهی و مهمانخانه‌ای با شکوه قرار داشت و راهها از مناطق آباد و امن می‌گذشت. در هر منزلگاهی چاپار (پیکنامه، قاصد) وجود داشت تا با اسبهای تازه نفس و در اسرع وقت نامه‌ها را به مقصد رساند و عجباً که فاصله شوش تا ساردیس در کمتر از یک هفته به وسیله چاپار پیموده می‌شد یعنی برابر زمانی که امروز اتومبیلها می‌پیمایند و این در حالی است که مسافران معمولی آن فاصله را در آن زمان نود روزه می‌پیمودند. برای عبور از راههای آبی نیز مهندسان پارسی می‌توانستند پلهایی بر روی رودخانه فرات و یا تنگه داردافل (میان دریای مرمره و سیاه، دارای اهمیت زیاد و متعلق به ترکیه است) بزنند تا صدها فیل از روی آن عبور کنند. راه زمینی دیگری نیز ساخته بودند که پارس را از طریق کوههای افغانستان به هندوستان متصل می‌کرد و شهر شوش انبار میان راهی ثروت عظیم خاورمیانه محسوب می‌گردید (ویل دورانت، ۱۳۷۶: ۱۲ به بعد).

بحث تأثیر و نفوذ فرهنگ و تمدن ایران را در جهان جهان با این سخن تالبوت رایس، استاد تاریخ و هنرهای زیبای دانشگاه کمبریج انگلستان، به پایان می‌بریم که پیروی

را به زیورآلات می‌آراستند. بازگذاشتن هریک از قسمتهای بدن خود را خلاف ادب می‌شمردند و به همین جهت سر تا پای آنان با کلاه و سربند و یا پاپوش پوشیده بود و آستین لباسهایشان دستهای آنان را می‌پوشاند و با بستن کمربند خود را از گزند گرما و سرما حفظ می‌کردند. مردان، موی چهره خود را نمی‌ستردند و گیسوان را بلند می‌گذاشتند که بعدها به جای آن، گیسوان عاریه مرسوم گردید. مردان و هم زنان به زیبایی ظاهر خود اهمیت می‌دادند و برای آرایش صورت از غازه و روغن و سرمه‌های گوناگون استفاده می‌کردند و طبقه خاصی به نام آرایشگر داشتند. پارسیان در ساختن انواع عطرها مهارت فراوان داشتند و اصلاً خود مخترع انواع عطرها را آرایشی بودند.

پارسیان در درازای تاریخ به زبانهای مختلفی سخن می‌گفته‌اند. فارسی باستان که با زبان سانسکریت هم پیوند نزدیک دارد در یک دوره خاص زبان بزرگان آنان بود که هر دو زبان لهجه‌هایی از زبانی قدیمتر بوده و با زبان انگلیسی خویشاوندی دارند. مثلاً واژه «مادر» در سانسکریت (Matar)، در فارسی باستان (matar) در لاتینی (mator) در یونانی (meter) در آلمانی (Mutter) و، بالاخره، در انگلیسی (mother) است. واژه پدر و برادر و نوه و بسیاری واژه‌های دیگر نیز چنین مشابهتی را دارد. پارسیان زبانهایی گسترده داشتند، از فرس قدیم زبان زند و نیز زبان پهلوی و سپس از همین زبان پهلوی زبان فارسی دری کنونی ساخته شد.

پارسیان در کار خطاطی نیز هنرمند بودند. خط میخی را ساختند بدین‌گونه که هجاهاى سنگین و دشوار بابلی را آسانتر کردند و تعداد الفبا را از سیصد به سی و شش تقلیل دادند تا شکل الفبای میخی به خود گرفت. مردم عادی تمام کوشش خود را صرف کشت و کار زمین و زراعت می‌کردند و، درحقیقت، پیرو کتاب دینی خود اوستا بودند که کشاورزی را ستوده بود و آن را با

۸ ساردیس یا سارد و در پهلوی SPARDA نام شهری در آسیای صغیر پایتخت لودیبه (لیدی) و پایتخت کرزوس پادشاه معروف که در قدیم به سبب جلال و ثروت خیره‌کننده‌اش مشهور بوده است. (فرهنگ معین).  
۹. معرب فرسنگ و معادل سه میل یا دوازده هزار گز بوده، نک: رساله مقدریه، «فرهنگ ایران زمین»، ص ۴۲.

از طرحها و نقشه‌ها به طور کلی یک‌جانبه و بدون انقطاع از شرق به غرب در سده‌های چهارم تا هفتم میلادی ادامه داشته است (تالوت رایس، ۱۳۴۶: ۸۰).

#### منابع

- ابن ندیم (۱۳۴۸)، *الفهرست*، قاهره؛  
 امین، احمد (۱۹۵۶)، *صحی الاسلام*، قاهره، ج ۱؛  
 بیانی، شیرین (۱۳۵۰)، «نظری به روابط فرهنگی ایران باستان با شرق و غرب»، *بررسیهای تاریخی*، شماره ۳، سال ششم؛  
 دورانت، ویل (۱۳۴۳)، *تاریخ تمدن*، ترجمه مهرداد مهرین، چاپ اقبال، ج ۲، تهران؛  
 دورانت، ویل (۱۳۷۶)، *تاریخ تمدن*، چاپ پنجم، ج ۱، تهران؛  
 دیاکونوف (۱۳۴۵)، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، شرکت انتشارات

علمی و فرهنگی، تهران؛

رایس، تالوت و ۱۳ تن از خاورشناسان (۱۳۴۶)، *میراث ایران*، ترجمه ...، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران؛

عیسی بک، احمد (۱۳۷۱)، *تاریخ الیماستانات فی الاسلام*، بیروت؛

فردوسی، ابوالقاسم، *شاهنامه*، به کوشش سید محمد دبیرسیاقی؛

فرید رفاعی، احمد (۱۳۴۶)، *عصر المأمون*، ج ۱، چاپ قاهره؛

کدار، آندره (۱۳۴۶)، *تمدن ایرانی*، «مجموعه مقالات خاورشناسان معاصر

فرانسوی»، ترجمه عیسی بهنام، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

تهران؛

گیرشمن (۱۳۳۶)، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه دکتر محمد معین،

انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران؛

مصطفوی سبزواری، رضا (۱۳۸۲)، *یادگار هندوستان*، «سهم ایران در تمدن

دره سند»، انتشارات بین‌المللی الهدی، تهران. ■



نمونه‌ای از خط عیلامی